The art of tiling in religious places in central and eastern Iran during the Qajar period, based on the perspective of foreign tourists

Arman Foruhi[1]

Abstract

The art of tiling, as one of the most prominent manifestations of Iranian art and civilization, plays an unparalleled role in architectural decoration, especially in religious buildings. This research aims to analyze the characteristics of tile art in mosques and Shrine of Imamzadehs in central and eastern Iran during the Qajar period, through the study of the perspectives of Western tourists. The research question is focused on the question of to what extent the "outside perspective" of these travel writers can be helpful in identifying the stylistic and functional characteristics, as well as the conservation status of these works during the historical period of the Qajar period. The research findings indicate that tiling in the studied areas has significant uniformity and continuity in terms of form and content. Also, the observations of Western travel writers, in addition to accurately describing the technical and aesthetic characteristics and variety of motifs (geometric, botanical, inscriptions), also point to the intelligent use of tiles in symbolic concepts and the decoration of architectural spaces. In addition, travelogues provide valuable documentation of the state of preservation of artworks during that period, including damage caused by neglect and theft, which further enhances the importance of these sources as historical evidence. The present study has been It has been compiled with a descriptive-analytical approach and relies on library resources, especially travelogues from the Qajar period.

Keywords: Tiling, Mosque, Imamzadeh, Foreign tourists, Qajar.

1. Assistant Professor, Department of Iranology, Faculty of Humanities, University of Meybod, Meybod, Iran.

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه
السنة الثانية | العدد ٧ | الخريف ١٤٤٧

فن الكاشي في الأماكن الدينية في وسط وشرق إيران في العصر القاجاري وفقا لوجهة نظر السياح الأجانب

آرمان فروهی[١]

الخلاصة

يلعب فن الكاشي باعتباره أحد أبرز مظاهر الفن والحضارة الإيرانية، دوراً لا مثيل له في الزخرفة المعمارية، وخاصة في المباني الدينية. يهدف هذا البحث إلى تحليل خصائص فن الكاشي في المساجد والأضرحة في وسط وشرق إيران خلال العصر القاجاري، من خلال دراسة وجهات نظر الرحالة الغربيين. ويركز سؤال البحث على مدى مساهمة (نظرة سطحية) لهؤلاء الرحالة في تحديد الخصائص الأسلوبية والوظيفية، بالإضافة إلى حالة حفظ هذه الأعمال خلال الفترة التاريخية للعصر القاجاري. وتشير نتائج البحث إلى أن الكاشي في المناطق المدروسة يتميز بالتجانس والاستمرارية بشكل كبير من حيث الشكل والمحتوى. كما أن ملاحظات كتب الرحالة الغربيين، بالإضافة إلى الوصف الدقيق للخصائص التقنية والجمالية وتنوع الزخارف (الهندسية والنباتية والنقوشية)، تشير أيضاً إلى الاستخدام الذكي للكاشي في المفاهيم الرمزية وتزيين المساحات المعمارية. وتوفر سجلات الرحالة أيضاً توثيقاً قيماً لحالة الحفاظ على الأعمال الفنية خلال تلك الفترة، بما في ذلك الأضرار الناجمة عن الإهمال والسرقة، مما يضيف بدوره إلى أهمية هذه المصادر كدليل تاريخي. تم تدوين الدراسة الحالية بمنهج وصفي تحليلي واعتمدت على مصادر المكتبة وخاصة كتب الرحلات من العصر القاجاري.

الكلمات المفتاحية: فن الكاشي، مسجد، امامزاده، السياح الاجانب، قاجار.

١. أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإيرانية، كلية العلوم الإنسانية، جامعة ميبد، ميبد، إيران.
arman.forouhi@yahoo.com

هنر کاشی‌کاری در اماکن مذهبی مناطق مرکزی و شرقی ایرانِ دوره قاجار

براساس نگاه سیاحان خارجی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۵

آرمان فروهی[۱]

چکیده

هنر کاشی‌کاری به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های هنر و تمدن ایران، نقش بی‌بدیلی در تزئین معماری، به‌ویژه در بناهای مذهبی ایفا دارد. این پژوهش با هدف واکاوی ویژگی‌های هنر کاشی‌کاری در مساجد و امامزاده‌های مناطق مرکزی و شرقی ایران در دوره قاجار، از طریق مطالعه دیدگاه‌های سیاحان غربی انجام شده است. مسئله پژوهش معطوف به این پرسش است که «نگاه بیرونی» این سفرنامه‌نویسان تا چه میزان می‌تواند در شناسایی ویژگی‌های سبک‌شناختی، کاربردی و همچنین وضعیت حفاظتی این آثار در مقطع تاریخی دوره قاجار راهگشا باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که کاشی‌کاری در مناطق مورد مطالعه از همگونی و پیوستگی قابل توجهی در زمینه‌های فرمی و محتوایی برخوردار است. همچنین مشاهدات سفرنامه‌نویسان غربی، علاوه بر توصیف دقیق ویژگی‌های فنی، زیبایی‌شناختی و تنوع نقوش (هندسی، گیاهی، کتیبه‌نویسی)، به کاربرد هوشمندانه کاشی در مفاهیم نمادین و تزیین فضای معماری نیز اشاره دارد. همچنین سفرنامه‌ها مستندات ارزشمندی از وضعیت حفاظتی آثار هنری در آن دوره، از جمله آسیب‌های ناشی از بی توجهی و سرقت ارائه می‌دهند که خود بر اهمیت این منابع به‌عنوان شواهد تاریخی می‌افزاید. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و به‌ویژه سفرنامه‌های دوره قاجار تدوین شده است.

واژگان کلیدی: کاشی‌کاری، مسجد، امامزاده، سیاحان خارجی، قاجار.

۱. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.
arman.forouhi@yahoo.com

مقدمه

هنر در ایران قدمت و پیشینه‌ای به درازای تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی دارد. این دستاورد غنی بشری در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود در مواجهه با هجوم اقوام بیابانگرد همچون اعراب، ترکان، غزها، مغولان، افاغنه و غیره دچار تحول و تغییر اساسی شده است. این اقوام همچنین جلوه‌هایی را به هنرهای ایرانی اضافه کرده‌اند که در برخی نمونه‌ها این امتزاج در نوع هنر بشری فوق العاده و بی‌نظیر است.

مهم‌ترین هنرهای تزئینی در ایران شامل سفال‌گری، شیشه‌کاری، سرامیک، چوب‌کاری و کاشی‌کاری است. در این میان هنر کاشی‌کاری به جهت استفاده در تزئینات معماری و فضای کالبدی بناها از جلوه قابل توجهی برخوردار بوده است. این هنر که اولین نمونه های آن به دوره ایران باستان و بعد از آن کاربردش در تخت جمشید و سایر بناهای ادوار باستان مشاهده شده، به‌عنوان تزئین وزین ابنیه‌ها و عمارت‌ها استفاده شده است. در دوره اسلامی تزئین بناها و به‌ویژه مساجد با آجر بوده است که تزئین آجری تا دوره سلجوقی ادامه داشته است (عباسیان، ۱۳۷۹: ۹۰). با روی کار آمدن سلاجقه و به‌ویژه با حمله مغولان هنر کاشی‌کاری از نظر زیبایی و فرم دچار تحول قابل توجهی شد که موجب شد اوج این هنر در دوره تیموری خود را نشان دهد. در دوره صفوی که هنرهای ایرانی-اسلامی به اوج خود رسیدند، هنر کاشی‌کاری نیز در سایه حمایت حکومتگران هنر دوست دارای رونق اساسی شد و این هنر در بناهای متعدد این دوره همچون مساجد، امامزاده ها، عمارت‌های حکومتی، پل‌ها و غیره خود را نمایان‌گر کرد. تمامی مساجد و مقابر صفویه مزین به کاشی‌هایی با رنگ‌های بدیع و نقوشی از گل‌ها و شاخه‌های گیاهی زیبا به‌ویژه رنگ فیروزه‌ای و نیز منقوش به تزئینات گچی رنگینی هستند که همین عناصر، ویژگی‌های هنر دوره صفوی به شمار می‌آیند (رفاعی، ۱۳۹۵: ۸۷). هنر دوره قاجار متأثر از نوگرایی به سبک غربی و مواجهه ایران با اروپا بود که این از طریق سفرهای پادشاهان قاجار به‌ویژه ناصرالدین شاه و توجه نیروهای استعمارگر به اهمیت ایران صورت گرفت (هاگدرون و ولف، ۱۳۹۴: ۵۵). در این ارتباط هنر کاشی‌کاری در دوران معاصر نیز سمت و سوی جدید گرفت و سبک‌های غربی و توجه به ایران باستان در آن مورد توجه قرار گرفت. مسئله پژوهش حاضر که دارای دو متغیر هنر کاشی‌کاری و نگاه سیاحان غربی به آن دارای پیشینه قابل توجهی نیست. خضری و دیگران (۱۳۸۴) در کتاب مساجد در سفرنامه‌ها، ضمن معرفی سفرنامه‌های غربی و اسلامی، به معرفی برخی مساجد ایران و عراق در سفرنامه‌ها پرداخته است. گستردگی موضوع و تنوع سفرنامه‌ها به نویسندگان اجازه نداده است که به ویژگی‌های هنری مساجد به‌ویژه کاشی‌کاری بپردازند. معتقدی (۱۴۰۱) در کتاب کاشی و کاشی‌کاران طهران در عصر قاجار به بررسی سابقه ساخت کاشی در ایران تا دوره قاجاریه و مهم‌ترین کاشی‌کاران تهران از عصر

ناصری تا مشروطیت پرداخته است. پژوهش میدانی نویسنده در این اثر متکی بر نفیس‌ترین کاشی‌های دوره مورد بحث و تحولات تصویری در کاشی‌های ابنیه سلطنتی قاجاری در دارالخلافه طهران است که با مسئله مقاله حاضر متفاوت است. مقالات دیگر همچون پنجه باشی و دولاب (۱۳۹۷) در «مطالعه ویژگی و ساختار نقوش سردربناهای کاشی‌کاری در شیراز در دوره قاجار» و زارعی و حیدری باباکمال (۱۳۹۵) در «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه» و مقالات مشابه در این حوزه نیز که بیشتر به جنبه هنری یکی از نمادهای معماری دوره قاجار اشاره کرده‌اند، نسبت چندانی با موضوع مقاله حاضر ندارد. براین اساس با توجه به نوآوری موضوع، در این پژوهش به واکاوی نگاه سیاحان غربی به هنر کاشی‌کاری اماکن مذهبی دوره قاجار پرداخته خواهد شد.

۱.پیشینه هنر کاشی کاری از دیدگاه سیاحان غربی

سیاحان غربی که از مناطق گوناگون ایران دیدن کرده‌اند، ضمن بیان کاربرد کاشی در ابنیه‌ها و عمارت‌های مختلف از نحوه ساخت و اهمیت آن در زیباسازی ساختمان‌ها سخن گفته‌اند. در زبان فارسی به موزاییک‌هایی که در مساجد و سایر بنا به کار می‌رود کاشی می‌گویند (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۹۸). رنه دالمانی سیاح مشهور آلمانی معتقد است که تاریخ استفاده کاشی را نمی‌توان به‌طور قطع معین کرد. وی در ادامه می‌نویسید: «همین قدر معلوم است که ابتدا انسان ظروفی از گل می‌ساخته و آن را به‌وسیله آفتاب می‌خشکانیده است. بعدها به طریقه طبخ آن پی برده است و چون این گل پخته متخلخل بوده و معمول آب در آن نفوذ می‌کرده به این فکر افتاده است که آن را به لعاب بپوشاند و این کار را با کوشش و آزمایش انجام داده و بعد هم آجرهای لعابدار را برای تزیین خانه به کار برده است. در خرابه‌های شهر قدیمی ری کاشی‌هایی به دست می‌آید که دارای آب فلزی هستند و نشان می‌دهند که در زمان‌های قدیم برای تزیین عمارت به کار می‌رفته است» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۰۵). بنجامین سیاح مشهور و اولین سفیر آمریکا در ایران، استفاده کاشی در تزئین و آرایش ساختمان‌ها را مرهون هنرمندان چینی می‌داند و آن را به دوره شاه عباس اول صفوی و نتیجه تلاش هنرمندان چینی می‌داند که در زمان این شاه صفوی به اصفهان و کاشان آمده بودند و هنرمندان ایرانی تمام این سبک‌ها و روش‌ها را از آنها فرا گرفتند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۲۳).

سیاحان غربی ضمن بیان پیشینه آن به نحوه ساخت و کاربرد آن نیز اشاره داشته‌اند. پولاک سیاح غربی در این ارتباط اشاره می‌کند: «ایرانی ها از ساختن و تولید کاشی بیشتر سررشته دارند. آجرهای لعاب داری که تصاویر گوناگون صحنه‌های شکار، منظره و غیره را عرضه می‌دارند معروف است تصاویر دلخواه را با رنگ های مقاوم در برابر آتش به روی خشت می‌کشند و آنگاه آن را به اندازه آجر می‌برند، بعد از این آجرها را می‌پزند و به کمک ملاط و گل به هم متصل می‌کنند»(پولاک، ۱۳۶۸: ۲۷۸-۲۷۶). بنجامین در این ارتباط معتقد است که ایرانی‌ها از سبک و روش چینی‌ها در ساخت کاشی تقلید صرف و کورکورانه نکرده‌اند؛ بلکه با نبوغ خود تغییراتی مطابق با شرایط جوی و اجتماعی در آن داده و به صورت یک سبک ایرانی درآورده‌اند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۲۳). تولید کاشی در دوره قاجاریه و در زمان حضور سیاحان ایران رواج داشته و یکی از فعالیت‌های هنری- صنعتی

این کشور محسوب می‌شود. در این خصوص محصولات کارگاه‌های کاشان و اصفهان از شهرت بیشتری برخوردار هستند (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۵). پولاک می‌نویسد که ایرانی برای پوشاندن دیوارها و گنبدهای مساجد، مدارس، حمام‌ها و سایر تأسیسات عمومی از کاشی استفاده می‌کردند؛ «اما همین هنر هم امروز رو به زوال دارد آن رنگ‌های دلاویزی را که در آثار قدیم هنوز در نما و پوشش بناهای اصفهان می‌توان دید دیگر نمی‌توانند درست کنند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۷۹).

سیاحان متعدد بهترین کاشی ایران را متعلق به ساخته دست اهالی کاشان می‌دادند، به‌گونه‌ای که پولاک، بروگش، دوراند و دالمانی بر این نکته تأکید کرده‌اند. دوراند می‌نویسد که کاشان در گذشته شهر بزرگی بوده و از نظر کاشی‌سازی شهرتی داشته است (دوراند، ۱۳۲۰: ۳۷). در این ارتباط و نحوه ساخت کاشی را پولاک شرح می‌دهد: «بهترین کاشی رنگی را امروز در کاشان می‌سازند و وجه تسمیه کاشی نیز به همین دلیل است. در ایران از خاک، سفال متخلخل می‌سازند. وسایل آب خوری که آب در آن تازه می‌ماند و ضمناً آب را تمیز تصفیه می‌کند از این سفال است به هنگام پختن سفال‌ها را مستقیم در معرض آتش نمی‌گذارند؛ بلکه آن را با لفافی از گل می‌پوشاند تا آنکه حرارت آهسته آهسته و به‌صورت معتدل در آنها اثر بگذارد. غیر از این سفال‌های زیبای شکیل، وسایل آب خوری هم ساخته می‌شود که با کمال بی‌سلیقگی ساخته و لعاب داده شده‌است به‌طوری‌که بیننده را به یاد ابتدای اختراع این فن می‌اندازد و از مقایسه آن با تک تکه‌های سفالی که در ویرانه‌های شهر ری به دست می‌آید آدمی را دچار تاسف می‌کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۸۰).

در شهر کاشان، کاشی‌هایی بسیار نفیس و ممتازی می‌ساختند و به همین جهت است که این آجرهای لعابدار به کاشی مشهور شده است. این هنر در خود کاشان نیز به وفور مشاهده می‌شد و بروگش در این مورد بیان می‌کند: «در شهر کاشان دروازه با کاشی‌های دل فریب وجود دارد به طور کلی کاشان در زمینه تولیدات صنعتی مشهور است و در هنگام معامله با بازرگانان تهران نهادن عنوان کاشی روی جنس نوعی تضمین مرغوبیت است» (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۹۸). بعدها در شهرهای دیگر هم به تقلید از کاشانی‌ها از این آجرها با انواع مختلف ساخته و در ابنیه به کار برده‌اند. کاشی‌هایی که در این شهر ساخته شده همه دارای انعکاس فلزی هستند و در آفتاب مانند صفحه طلائی می‌درخشند. تمام مساجد و بناهای عمومی ایران پوشش های طلائی ممتازشان را مدیون این صنعت کاشان هستند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۶۹). البته دالمانی صرفاً به ابعاد تولید کاشی نمی‌پردازد و این نکته را با مخاطب خود در میان می‌گذارد که کاشی‌ها ضمن آن که سابقاً موجبات شکوه و جلال بناهای عمومی را فراهم می‌کردند، «اکنون باعث انهدام شاه‌کارهای معماری ایران شده است، چون که کلکسیونرهای اروپایی با اشتیاق طالب خریداری آنها هستند و کمتر کسی پیدا می‌شود که در کمین ربودن آنها نباشد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۶۹). از این جهت هنر کاشی ایران به قدری شهرت و زیبایی داشت که برای سرقت و انتقال به اروپا جذابیت داشت.

فراز و فرود استفاده از کاشی در تزئین ساختمان نیز در ایران مورد توجه سیاحان بوده است. به‌گونه‌ای که در گذشته در ایران علاقه بیشتری به کاشی‌کاری نشان داده می‌شد و البته این دلیل بر آن نبوده که در زمان حضور سیاحان توجه کمتری به آرایش و تزیین ساختمان‌ها می‌شود؛ بلکه علت آن این است که از وسایل دیگری برای تزئین استفاده می‌کنند. بنجامین در این ارتباط می‌نویسد:

«در هر حال هنوز هم کاشی مقام مهمی در کارهای تزئینی دارد و چون معدن سنگ مرمر در نزدیکی تهران وجود ندارد و حمل آن هم از فواصل دور خرج زیادی دارد به جای مرمر در فرش کردن کف ساختمان‌ها و تزیین دیوارها از کاشی استفاده می‌شود و گاهی در فرش کردن کف تالارها و سالن‌ها کاشی‌های ریز و کوچکی را کنار یکدیگر به صورت یک موزیک قرار می‌دهند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۲۵-۲۲۴).

در انواع ساختمان‌ها و نماهای داخلی خانه‌های شهری از کاشی استفاده می‌شده است. داخل حمام‌ها را غالباً با کاشی فرش و تزئین می‌کنند و دیوارها و کف اتاق که با کاشی فرش می‌شوند درخشش داشته و زیبایی خاصی پیدا می‌کنند. گنبد و گلدسته‌های مساجد و اماکن مذهبی و سر در دروازه شهر را هم با کاشی تزیین می‌کنند و این کاشی‌کاری‌ها در زیر اشعه آفتاب از دور انعکاس و درخشش بسیار جالبی دارند و موقعی که خورشید در افق است این کاشی‌ها به رنگ طلایی درآمده و تمام بنا را طلایی رنگ می‌نمایند. در ساختمان‌های تهران گاهی برای تزیین از آجرهای رنگی شبیه به کاشی را در لابه‌لای آجرهای ساختمان به کار می‌برند و نقش و نگارهایی در دیوارها به وجود می‌آورند که خیلی جالب است. در کاشی‌کاری طرح‌هایی که هنرمندان تهیه می‌کنند، فوق‌العاده متنوع بوده و شباهتی به یکدیگر ندارند. با این وجود تضعیف هنر کاشی‌کاری از چشم سیاحان به دور نمانده است و بنجامین در این ارتباط می‌نویسد: «هنرمندان کنونی ایران در رشته کاشی‌کاری اگرچه آثار قابل ملاحظه و استادانهای خلق می کنند؛ ولی باید اعتراف کرد که اساتید دوران گذشته کارهای خیلی بهتری را عرضه کرده و از خود به یادگار گذاشته اند و با توجه به اینکه هنرمندان کنونی از ذوق و استعداد کافی برخوردارند باید علت این امر را رموز و اسرای دانست که هنرمندان قبلی در آثار خود به کار می‌برده‌اند و اساتید فعلی پس از گذشتن چند قرن این اسرار را فراموش کرده و از آن بی اطلاع مانده‌اند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۲۶-۲۲۵).

کاربرد کاشی در تزئین ابنیه‌ها از دیدگاه سیاحان غربی

۲.تزئین کاشی در امامزاده‌ها و مساجد مناطق مرکزی ایران

پراکندگی وجود امامزاده و مساجد در مناطق گوناگون ایران دوره قاجار وجود داشته است. در قسمت مرکزی فلات ایران که در این بخش به صورت تقریبی و پهنه وسیعی از ایران را شامل می‌شد، به شهرهای اصفهان، قم، تهران، شیراز و یزد در ادامه پرداخته خواهد شد

۱-۲.اصفهان

اصفهان دوره قاجاریه هنوز شکوه و جلال دوره صفوی خود را تا حد زیادی حفظ کرده بود و بناهای باشکوه آن در مناطق مختلف اصفهان از منظر سیاحان غربی در سفرنامه‌ها آمده است. تعدد و تنوع ابنیه، کاخ‌ها و عمارت‌های زیبا و منحصر به فرد این شهر موجب شده بود که به کرات اصفهان در نگاشته‌های سیاحان یاد شود. نیکیتین سیاح روس که از اصفهان بازدید کرده، معتقد است که توصیف و تعریف بناهای زیبا و کاشی‌کاری‌هایی که در بناهای تاریخی اصفهان به کار رفته است از

عهده نویسنده خارج است (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۵۱). در اصفهان مساجد گنبدها و مناره‌ها و دیوارهایی که مزین به کاشی‌های رنگا رنگ لعاب دار هستند وجود دارد (لایارد، ۱۳۶۷: ۶۳). توصیفات سیاحان غربی از مساجد اصفهان به مساجد داخل میدان نقش جهان، مساجد شهر اصفهان و مساجد اطراف این شهر قابل تقسیم بندی است. داخل میدان نقش جهان، دو مسجد برجسته مسجد شاه و مسجد شیخ لطف‌الله قرار داشته است.

دالمانی از بیرون مسجد شاه اصفهان را توصیف می‌کند. این مسجد در چهار طرف حیاط، جلوخان های مرتفعی دیده می شود که با کاشی‌های مینائی رنگ پوشیده شده است و در مقابل در ورودی میز جلو خانی است که سقف آن با کاشی‌هایی به رنگ آبی تیره و سبز در زمینه لاجوردی با اسلوب عربی نقاشی شده، زینت یافته است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۳۱). مسجد دارای گنبدی با کاشی‌کاری‌های آبی است که با نقش های اسلیمی زرد زیبایی کم نظیری را به این گنبد داده است (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۶۰). در مسجد شاه که شباهت زیادی به مسجد جامع دارد در این مسجد قسمت زیادی از کاشی‌های آبی رنگ پوشش دو مناره‌ایی که در دو سوی در بزرگ ان بنا شده است کاملا ریخته شده است و مناره سمت چپ آن بیشتر آسیب دیده است (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۰۵). میدان شاه یا مسجد شاه هم مزین به کاشی‌کاری است، همچنین در مسجد شاه اصفهان رواق قوسی شکلی وجود دارد که کتیبه‌هایی از کاشی آبی که روی آن با خط سفید آیات قرآن را نوشته‌اند وجود دارد (فلاندن، ۱۳۶۱:۱۳۱).[۱]

شرح کلود آنه در مورد مسجد شاه اصفهان از سیاحان دیگر دقیق‌تر و کامل‌تر است: «مسجد شاه اصفهان در حقیقت مجموعه‌ای از زیباترین کاشی‌کاری‌های جهان است که دل فریب‌ترین و مناسب‌ترین نقش‌ها و طرح‌ها و نوشته‌ها در رنگ‌های مختلف به صورت کاشی‌های موزاییک در آن به کار رفته است. زمینه اصلی همه این کاشی ها آبی رنگ است و کاشی های دیگری که رنگ‌های تیره یا روشن در تزیین آن به کار رفته با زمینه اصلی هماهنگی دلپذیری شبیه یک سمفونی عالی پدید آورده‌اند دیوارهای صحن عظیم مسجد که تمام از کاشی‌های چهارگوش لعاب و خوش نقش نگار پوشیده شده است» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۴۸).

دیگر مسجد میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف‌الله است که در آثار سیاحان آمده است. در اصفهان که گنبد مسجد شیخ لطف‌الله، زمینه‌ای از آجر ساده دارد و روی آن نقش و نگار اسلیمی با کاشی‌های لعابدار سیاه رنگ کار کرده‌اند (آنه، ۱۳۷۰: ۲۴۷). مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان دارای گنبدی با کاشی‌های زمینه قرمز و نقشه‌های آبی رنگ تزئین شده دارد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۲۸). در نقش جهان، شبستان‌هایی است که بر بام‌های آن گنبدهایی است که سطح آن با کاشی پوشیده شده است و کاشی‌های نمای مسجد و گنبدها گاه زرین است (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۸۳).

مساجد غیر از مساجد میدان نقش جهان اصفهان نیز در توصیف سیاحان آمده است. در وسط خیابان چهار باغ مسجدی وجود دارد که کاشی‌هایی با هزاران رنگ مختلف دارد، کاشی‌های آبی مناره‌هایش از میان برگ‌های چناری که بر روی زمین سایه افکنده مشاهده می‌گردد (فلاندن،

---

۱. . اوژن فلاندن به همراه پاسکال کوست تصاویر ارزشمندی از ابنیه و بناهای تاریخی ایران دوره محمدشاه قاجار کشیده‌اند که در پایان مقاله نیز تصاویر مرتبط با موضوع حاضر آمده است.

۱۳۳:۱۳۶۱). در مدرسه شاه سلطان حسین در اصفهان، مسجدی وجود دارد با گنبد و دو مناره ولی گنبد در حال ویرانی است و همه کاشی‌های درخشان روی بیرونی گنبد کنده شده و در رویه درونی گنبد کاشی‌های رنگارنگ فراوانی به کار رفته و بر سطح آن سخنانی در ستایش محمد (ص) و آیه‌های بسیاری از قرآن نوشته شده است (موریه، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در چهار باغ اصفهان، مدرسه‌ای وجود دارد که سفال‌های آبی و خوش رنگ گنبد آن در حال پوسیدگی و فروریختن است با این وجود هنوز هم منظره این کاشی‌ها پر از نقش و نگار و گل و گیاه طلایی آن را از کیلومترها دورتر جالب و تحسین برانگیز کرده است. در دور تا دور حیاط مدرسه، تعداد زیادی حجره با سردری زیبا و تزئین‌یافته با کاشی‌های سبز و خوش رنگ دیده می‌شود که یک در میان کاشی‌های سبز، طلایی ،سیاه و زرد آن چشمگیر است .داخل سالن و اتاق‌های درونی ساختمان هم کاشی‌کاری شده است. این مدرسه که در واقع مسجد است که گنبد آن مزین به کاشی‌های رنگارنگ است (موریه، ۱۳۸۶: ۲۳۶-۲۳۵).

در اصفهان در مدرسه امیر، تنها کاشی‌هایی که با آنها روی گنبدها و دیوارهای داخلی مدرسه‌ها مساجد و قصرهای سلطنتی را پوشانده‌اند شایسته اعتناست. با نصب و ترکیب هنرمندانه این کاشی‌ها کاری می کنند که دور تا دور عمارت نقش‌هایی ایجاد شود که در آن صحنه‌های شکار، اشکال حیوانات و غیره مجسم گردد؛ آن هم به صورتی که از نظر زیبایی طرح و همچنین لعاب و رنگ نظیر ندارد. شاهکارهایی از کاشی را در اصفهان می‌توان دید، به خصوص آبی روشن آن باشکوه است. حتی درباره یکی از این کاشی‌های مسجد جامع اصفهان چنین می‌گویند که تا مدت‌ها تردید داشتند که آیا از یک قطعه فیروزه ساخته شده یا خشتی است که به روی آن لعاب داده‌اند. در حفریات ری نیز قطعات شکسته کاشی از این نوع به‌دست آمده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۷). در مدرسه «مادر شاه» در اصفهان تالار وسیع گنبدداری وجود دارد که دارای دو مناره کوچک است که هر مناره دارای گلدسته‌ای کوچک است که بدنه این گلدسته‌ها از کاشی‌های آبی است که در حاشیه آنها خطوط کوفی و عربی به رنگ‌های سیاه و زرد نقش شده است (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

مسجد بابا سوختگی اصفهان در محله جوباره قرار داشته است و امروزه تنها یک تک مناره از آن باقی مانده است. فلاندن به همراه تصویر زیبایی که از آن کشیده است، به توصیف آن نیز پرداخته است: «نه تنها گنبد و مناره‌هایش در کاشی غرق است؛ بلکه کلیه وجوه و اطراف مسجد هم از بالا تا پایین به همین وضع می باشد امروز این کاشی‌ها بسیار نفیس است و از اهمیت خاصی برخوردار است و در مناره‌اش از توده مار پیچ‌های سبز و سفید تشکیل شده که در میانشان کاشی‌های آبی به‌کار رفته است و می‌توان گفت که این مسجد از زیباترین بناهای اصفهان است» (فلاندن، ۱۳۶۱:۱۳۱).

توصیف سیاحان در مورد مساجد اصفهان صرفاً به مساجد داخل شهر محدود نمی‌شده است و گزارش‌هایی در این ارتباط از مساجد اطراف اصفهان نیز وجود دارد. در اطراف اصفهان روستایی یا به عبارت بهتر واحه‌ای به نام روحدشت وجود دارد که در میان خرابه‌های وسیع اطراف این روستا به مسجد به ظاهر خرابه‌ای خشت و گلی برمی‌خوریم که کاشی‌کاری داخلی آن کم‌نظیر و دارای نوشته‌هایی به زبان عربی به صورت کاشی‌کاری در سطح بدنه دیوار و فاصله میان ستون‌ها بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۱۴). در مسیر اصفهان به همدان در منطقه‌ای به‌نام آهنگران در امامزاده کاشی‌های

زیبایی پیدا شد که اگرچه جلای کاشی‌های طلایی را نداشتند، باز بی‌اهمیت نبودند. سه مورد از آنها زمینه‌ای کبود داشتند و در روی یکی نقش مرغی شکاری بود که لک لکی را در منقار داشت و در روی دیگری گل و بوته و مقرنس‌کاری بود و بسیار هم آن را خوب ساخته بودند و زمینه کاشی سومی به رنگ چوب است و در روی آن به خط نسخ فقط کلمه الله دیده می‌شود (فووریه،۱۳۹۰: ۲۸۲).

گزارش سیاحان فقط توصیف زیبایی‌های مساجد و کاشی‌کاری آنها نبوده است. دوراند و نیکتین به تخریب کاشی‌ها و مساجد اشاره دارد. در اصفهان، مساجد ویرانه‌ای وجود دارد که کاشی‌کاری‌های برجسته و زیبای آن به‌صورت یک تکه به هم چسبیده در بالای گنبدها در حال نابودی است (دوراند،۱۳۲۰: ۵۳). همچنین به مناسبت خلع محمدعلی شاه از سلطنت جشن مفصلی را در میدان شاه ترتیب داده بودند و آتش بازی راه انداخته بودند که این آتش گاهی یک تکه از کاشی‌های مینایی گنبدها را از بین می برد (نیکیتین،۱۳۵۶: ۵۲)

۲ـ۲.قم و تهران

در قم و تهران زیبایی‌های معماری اماکن متبرکه همچون امامزاده‌ها و مساجد در نوشته‌های سیاحان آمده است. دالمانی که در دوره قاجار به قم سفر کرده بود، به هنر زیبای کاشی‌کاری حرم حضرت معصومه (س) این گونه اشاره می‌کند: «سر در مقبره باشکوه حضرت فاطمه در بازار قم از کاشی‌های نفیسی زینت یافته بود که رنگ سبز درختان با رنگ کاشی‌ها مخلوط شده و تابلوی زیبایی را تشکیل می‌داد و حتی سنگ قبر این مقبره را با کاشی‌های ظریف نقش داری پوشانده بودند، حواشی درهای این مقبره با کاشی‌های آبی تیره رنگ زینت یافته است و مناره های کم ارتفاع مقبره از کاشی‌های سفید و آبی که به شکل شطرنجی و به‌طور قرینه به کار رفته است پوشیده شده است. در گوشه‌ای از قبرستان قم، بنایی وجود دارد که از شاهکارهای بسیار ممتاز و زیبایی است که درشرف ویرانی است و اگر تعمیر نشود مسلماً گنبد آراسته آن با کاشی‌های نفیس طلایی رنگ از میان خواهد رفت» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۴۹ - ۸۵۷).

در تهران نیز مسجد برادر سپهسالار یعنی مشیرالدوله وجود دارد که در روی دیوارهای این مسجد متن وقف‌نامه‌ای روی کاشی‌های ثبت شده که در آن تعداد مدرسین و طلاب دینی که می‌توانند در اینجا ساکن شوند، معین شده است (براون، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

دیولافوا سیاح فرانسوی به تفضیل در ارتباط با امامزاده یحیی (ع) ورامین سخن گفته است و از بعد کالبدی و فضای بیرونی کاشی این امامزاده را مورد بررسی قرار داده است. در امامزاده یحیی ورامین که یکی از بناهای خوب این ناحیه است در داخل آن کاشی‌هایی بسیار عالی که دارای انعکاس فلزی هستند به کار رفته است قسمتی از این کاشی‌ها کنده شده است و در تهران با بهای زیادی فروخته شده است. یکی از سیاحان دیگر اروپایی نقل می‌کند که در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا یکی از وزرای او چند صندوق از همین کاشی‌ها برای فروش به اروپا آورده بود. و به علت سرقت کاشی‌های این مسجد، ورود افراد بیگانه غیر مسلمان به آن ممنوع شد. بنای امامزاده یحیی قدیمی است و چندین بار تعمیر شده است و در یکی از این تعمیرات قسمت محراب کاشی‌هایی که رنگ فلزی صیقلی دارند به کار گرفته شده است و برای به کار بردن آن مجبور شدند که قسمتی از تزئینات

قدیمی را خراب کنند. (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۵۹-۱۵۸)

به نظر فلاندن در هیچ جا کاشی هایی صاف تر و درخشنده تر از کاشی‌های امامزاده یحیی پیدا نخواهد شد. این کاشی‌های فلزی رنگ سه دسته‌اند: دسته اول کمی زرد رنگ است و دسته دوم رنگ فلزی برنج مانندی دارد و دسته سوم تیره تر و مانند مس قرمز است. کاشی قشنگ و ممتاز آن است که رنگ یکنواخت و کاملاً صیقلی و بدون لکه باشد وقتی که طبخ آن کامل نشده باشد اکسید آن‌طور که باید جابجا نمی‌شود و به کاشی جان نمی‌دهد و شکل آجرهای رنگ پریده می‌شود. از طرف دیگر اگر حرارت زیاد ببیند مینای آن می‌سوزد و بنابراین کبود و تیره می‌شود کاشی خوب آن است که رنگ آن در همه جا یکسان و صورت فلزی خود را یکنواخت حفظ کرده باشد؛ اما در نزد ایرانیان کاشی‌هایی که رنگ روشن تری داشته باشند مطلوب‌تر هستند. کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی که قبر و دیوارها را تزئین کرده‌اند دارای یک نوع اهمیت هنری و صنعتی هستند و به‌واسطه صفات و خصوصیت‌های ممتازی که دارند به مراتب بر کاشی‌های بناهای اسپانیا و ایتالیا و حتی نقاشی‌های روی کاغذ برتری دارند. پوشش دیوارهای تالار مقبره پس از سقوط سلجوقیان انجام یافته و بنابراین با اتابکان آذربایجان و مغول که در اواسط قرن ۱۳ در ایران اقتدار داشته‌اند هم عصر است. (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۶۱-۱۶۰).

مسجد ورامین هم که از بناهای قدیمی است دارای کاشی‌های ستاره‌ای بسیار ممتازی بوده که اکنون اثری از آن بر جای نمانده است؛ زیرا که بسیاری از قطعه‌های آن را از جا کنده و به خارجیان فروخته‌اند اکنون پاره‌ای از این کاشی‌ها در موزه هنرهای زیبایی شهر وین دیده می‌شود. این کاشی‌ها از لعاب مینائی فلزی که ایرانیان معمولاً آنها را کاشی آب طلایی می‌گویند پوشیده شده‌اند و نقشه‌های سفیدرنگ آن در روی زمینه تیره‌ای ترسیم شده است. در مسجد ورامین محرابی بود که شش الی هفت متر ارتفاع داشت و دارای کاشی‌های فلزی بی‌نظیری بود در سال‌های آخر قرن ۱۹ که انقلابی برای گرفتن مشروطیت در ایران به‌وجود آمد بالطبع در همه جا بی‌نظمی و هرج و مرج پدید آمد و اشخاصی به صورت مخفیانه به این محراب دستبرد زدند و مقداری از کاشی‌های آن را بردند و به فروش رساندند. یکی از وزرای مقرب مظفرالدین شاه مقدار زیادی از این کاشی‌ها را به‌دست آورد و در پاریس آنها را به فروش رساند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۲۱- ۴۱۴)

۳-۲.یزد و شیراز

گزارش کوتاهی نیز از مساجد یزد و شیراز در آثار سیاحان غربی آمده است. شیراز چندان زیبایی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای ندارد به جز دو مسجد با گنبدهایی از کاشی آبی رنگ چشم را می‌نوازد و چیز دیگری وجود ندارد (مک گِرگُر، ۱۳۶۶: ۴۴). مسجد شاه میرزا حمزه در شیراز دارای گنبدی است که آن را با کاشی‌های سبز درخشان هلالی که با خط‌های بهم پیوسته پوشانده شده و رویه درخشان آن به شکل برآمدگی‌هایی که قرینه یکدیگر هستند تزئین شده است (موریه، ۱۳۸۶: ۱۴۶). در یزد به جز مسجد جامع عمارت زیبا و چشمگیری ندارد. این بنا دو مناره بلند و متقارن دارد که این مناره‌ها و قسمت جلوی بنای مسجد با کاشی‌های سبز و آبی تزئین شده این کاشی‌ها را می‌توان کم و بیش همه جای آسیا پیدا کرد (موریه، ۱۳۸۶: ۸۱).

۳.مناطق شرقی

سیاحان غربی در مناطق شرقی ایران همچون مناطق مرکزی، ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی همچون کاشی‌کاری را در آثار خود آورده‌اند که در ادامه به هنر کاشی‌کاری در مساجد مشهد، سمنان، جاجرم و بیرجند پرداخته خواهد شد.

۱-۳.مشهد

شهر مشهد به جهت موقعیت جغرافیایی مهم و وجود بارگاه امام رضا (ع) در نگاشته‌های سیاحان خارجی به کرات آمده است. سر ادوارد بیت، کنسول بریتانیا در بلوچستان و مشهد که مناطق شرقی ایران را در سفرنامه خود آورده است، اشاره می‌کند که در سال ۱۶۵۲ میلادی به دستور شاه عباس دوم مرقد مطهر امام رضا (ع) را کاشی‌کاری کردند (بیت، ۱۳۶۵: ۲۹۳). همچنین خانیکوف خاورشناس و جغرافیدان روس که بخش عمده‌ای از آسیای مرکزی و ایران را دیده است، به حرم امام رضا (ع) اشاره می‌کند که در صحن قسمت پایین دیوار تمام ایوان‌ها با کتیبه‌هایی مزین شده که آیه‌های مختلف قرآن با قطعات گوش کوچک کاشی نوشته شده است (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۵). گفتنی است که حضور افراد بیگانه به جهت تقدس حرم امام رضا (ع) با محدودیت همراه بود و از این جهت گزارش‌های کمی در ارتباط با موضوع بحث وجود دارد.

مسجد گوهرشاد در مشهد نیز مورد توجه سیاحان غربی بوده است و ادوارد براون اشاره می‌کند که از گنبد و دو مناره تشکیل شده که همه آن کاشی‌کاری شده جنس کاشی‌های گنبد زبر و نامرغوب است و نقش و نگار زیبایی ندارند؛ اما کاشی مناره‌ها بسیار زیبا و متناسب است و همه از جاذبه کاشی‌کاری داخل مسجد تعریف می‌کنند (براون، ۱۳۸۱: ۲۰۵). وامبری جهانگرد لهستانی نیز به زیبایی ورودی مسجد گوهرشاد مشهد اشاره می‌کند که از لحاظ زیبایی طرح و هم از نظر غنای رنگ که از کاشی‌کاری های درخشان نشأت می‌گیرد خاصه وقتی که تلألؤ خورشید به آن می‌تابد، قابل تحسین است (وامبری، ۱۳۷۲: ۲۷۵).

در کلات نادری در خراسان، در نزدیکی مقبره نادر (کاخ خورشید)، مسجد کوچکی وجود دارد که تماماً کاشی‌کاری شده که به آن مسجد کبود گنبد می‌گویند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۴۴). مصلایی که در شرق مشهد وجود دارد دارای ایوانی است که در حال حاضر آجری است و زمانی دارای کاشی‌کاری‌های نفیسی بوده است و قسمت زیادی از این کاشی‌کاری‌ها فروریخته است (بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۳).

یکی از بناهای قابل توجه در مشهد، مقبره خواجه ربیع است که سیاحان به آن اشاره کرده‌اند. خواجه ربیع از اصحاب پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) به شمار می‌رفته که مقبره وی مورد توجه زائرین بوده است. مقبره خواجه ربیع دارای یک بنای هشت ضلعی است که توسط گنبدی با کاشی‌های آبی رنگ پوشیده شده است. در این بنا همچنین قبر فتحعلی‌خان قاجار قرار دارد که کاشی‌های قسمت بالایی گنبد آن کنده شده و تمامی قوس‌ها، سردرها و ایوان‌ها در هر طرف ابتدا توسط هنرمندان قمی کاشی‌کاری شده است؛ اما در حال حاضر بسیاری از این کاشی‌ها ریخته و کسی هم نسبت به مرمت آن اقدامی نکرده است (بیت، ۱۳۶۵: ۳۱۴-۳۱۱). همچنین روی دیوارها چهار ضلع یا هشت ضلعی یک رنگ طرح‌هایی که منحصراً روی یک کاشی یا روی چند کاشی نقش شده‌اند که رنگ های

آن عبارت است از آبی تیره، قهوه‌ای خیلی تیره و آبی آسمانی خیلی زیبا همچنین از رنگ های سفید، زرد، سبز، نخودی و مشکی نیز استفاده شده است. همچنین در داخل گنبد کاشی کمتری به کار رفته است و در قسمت تحتانی گنبد، دور تا دور مقبره، حاشیه پهن از کاشی آبی کار شده که خطوطی سفید به زبان عربی در آن نقش شده است. در زیر این حاشیه طرحی فوق‌العاده زیبا از کاشی‌کاری به رنگ‌های آبی و سفید با نقوشی هشت ضلعی و ستاره‌های هشت پر دیده می‌شود که باید بگویم بهترین طرحی است که از این نوع تاکنون دیده‌ام و اگر کاشی‌کاری این مقبره از بهترین نوع خود در ایران نباشد، جزء کاشی‌کاری‌های خوب این مملکت است (مک گِرگُر، ۱۳۶۶: ۲۴۶-۲۴۵).

دالمانی نیز به در مقبره خواجه ربیع در مشهد اشاره می‌کند: «در هزاره دیوارهای داخلی بنا، کاشی‌های بسیار نفیسی دیده می‌شود که نقش‌های بسیار زیبایی در آن به کار رفته است؛ ولی باید اعتراف کنیم که نگهبان این بنای بی نظیر نتوانسته از تبدیل پاره‌ای از این کاشی‌های ظریف بسیار زیبای هشت ضلعی که دارای نقش‌های جالب توجهی هستند به پول خودداری نماید، زیرا که معلوم است آن را از دیوار کنده‌اند. در بیرون این مقبره هم دیوارهای آن را با کاشی تزئین کرده‌اند و طاقچه و طاق‌نماهایی دارد که مسلماً با کاشی‌های اعلائی مزین بود و متأسفانه امروز جای آنها خالی است، یعنی به مرور ایام آن‌ها را کنده و فروخته‌اند و ظرافت و زیبایی این کاشی‌های منقش را نمی‌توان توصیف کرد. این کاشی‌ها با رنگ‌های مینائی بنفش، سفید و آبی نقاشی شده و از حیث زیبایی و ظرافت به اندازه‌ای دلربا و جالب هستند که در خاطر بیننده تأثیر فراموش نشدنی باقی می‌گذارد. در اطراف گیلوئی سقف هم کاشی‌های ستاره شکلی با استادی و مهارت به کار رفته است» (دالمانی، ۱۳۵۵: ۶۲۵-۶۲۷).

۲ـ۳. جاجرم، سمنان و بیرجند

مساجد و مقبره امامزادگان اطراف مشهد نیز در سفرنامه‌های غربیان آمده است. در قسمت جنوب غربی جاجرم مقبره شخصی به نام خواجه علی بن محمد مهزیار وجود دارد که وی از اصحاب ائمه اطهار (ع) بوده است. ییت که در دوره قاجار از مقبره ایشان دیده کرده است، در این ارتباط می‌نویسد: «قبر تا ارتفاع دو متر و ده سانتی متر از کاشی‌های آبی رنگی که آیه‌های قرآن با خطوط درشتی روی آن نقش شده بود، پوشیده شده بود این کاشی‌ها ۴۵ تا۶۰ سانتی متر طول و ۳۰ سانتی متر عرض داشتند و خیلی خوب ساخته شده بودند به نظر می‌آید که این کاشی‌ها را از بنای دیگری برداشته و در این جا نصب کرده باشند؛ زیرا بیشتر آن به‌طور وارونه و یا غیر منظم کار گذاشته بودند و به‌طور کلی بر روی این کاشی‌ها نتوانستیم تاریخی را پیدا کنیم» (ییت، ۱۳۶۵: ۳۶۴).

در مسیر بیرجند دهکده‌ای به‌نام «تون» وجود دارد که امامزاده‌ای به نام سلطان ابراهیم دارد که این امامزاده دارای کاشی‌های رنگی است که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند و همچنین سقف آن با کاشی‌های لعابی که دارای نقش‌های زیبایی تزئین شده است (مک گِرگُر، ۱۳۶۶: ۱۴۰). در سمنان مسجدی به دستور فتحعلی‌شاه ساخته شده که با کاشی‌های آبی تزئین شده که رنگ ملایم آن چشم را می‌نوازد؛ اما در مقایسه با کاشی‌های به کار رفته در ساختمان‌های دوران صفویه که آن همه زیبا می‌نماید نشانه‌ای از افول صنعت کاشی‌سازی است (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۸۸).

نتیجه گیری

سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع مطالعاتی در حوزه تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. در این آثار که به‌وسیله غربیان نگاشته شده است که با نگاه بیرونی نکات ارزنده به همراه جزئیات برای مخاطب خود به یادگار گذاشته‌اند که در برخی حوزه‌های فوق بودن توجه به سفرنامه‌ها نمی‌توان نگاه جامع داشت. در دوره قاجاریه که ایران به محل توجه کشورهای استعمارگر همچون روسیه و انگلیس در آمده بود، ورود سیاحان غربی به کشور جهش فوق العاده‌ای کرد. هر کدام از این سیاحان با توجه به تخصص، مسئولیت اجتماعی و سیاسی و پیشینه به جنبه‌های مختلف فرهنگ و تمدن ایران نگریسته‌اند. اماکن مذهبی همچون مساجد، امامزاده‌ها و مقابر به جهت توجه مردم به آنها مورد بررسی سیاحان قرار می‌گرفته است و جنبه‌های هنری آن نیز به شدت ذوق غربیان را در پی داشته که در سفرنامه انعکاس پیدا کرده است. کاشی‌کاری به جهت جذابیت، فرم دلنشین و تنوع رنگ و نقوش در سفرنامه‌های سیاحانی که در مناطق مرکزی و شرقی ایران دیدن کرده‌اند، آمده است. مناطق مرکزی و شرقی ایران از لحاظ معماری و هنر کاربردی در مساجد به یک سبک هستند که این نکته از نگاه سیاحان به دور نمانده است. در میان مناطق فوق، اصفهان به جهت کثرت اماکن تاریخی و مذهبی، کاشان به جهت قدمت در هنر کاشی‌کاری و مشهد به جهت وجود بارگاه امام رضا (ع) بیشترین توجه سیاحان را برانگیخته است. برآیند نگاه سیاحان نشان می‌دهد که هنر کاشی‌کاری با وجود فراز و نشیب هنر در دوره قاجاریه، موجودیت، صلابت و زیبایی خود را حفظ کرده و زینت بخش بودن آن در اماکن مذهبی موجب ادامه حیات آن شده است.

کتابنامه

آنه، کلود. (۱۳۷۰). ***سفرنامه گل های سرخ اصفهان*** (ایران با اتومبیل)، ترجمه:فضل الله جلوه، تهران: نشر روایت

اورسل، ارنست. (۱۳۸۲). ***سفرنامه قفقاز و ایران***، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ

براون، گرانویل ادوارد (۱۳۸۱). ***سفرنامه یک سال در میان ایرانیان***، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر ماه ریز.

بروگیش، هینریش. (۱۳۶۷)، ***سفرنامه سفر به دربار سلطان صاحبقران***، ترجمه حسین کرد بچه، تهران: اطلاعات.

بنجامین، س، (۱۳۶۳). ***سفرنامه ایران و ایرانیان*** (عصر ناصرالدین شاه)، ترجمه حسین کردبچه، تهران: انتشارات جاویدان.

پنجه باشی، الهه، دولاب، فاطمه (۱۳۹۷). «مطالعه ویژگي و ساختار نقوش سردربناهاي کاشي کاري در شیراز در دوره قاجار»، ***فصل‌نامه نگره***، ۱۳(۴۸)، صص: ۱۲۵-۱۰۵.

پولاک، ادوارد (۱۳۶۸). ***سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»***، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

خانیکوف. (۱۳۷۵). ***سفرنامه گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی***، ترجمه اقدس یغمائی و ابوالقاسم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

خضری، سید هاشم، سامی، مجید، درگاهی، زین العابدین، علی نژاد قمی، محسن، سوری، رضا (۱۳۸۴). ***مسجد در سفرنامه‌ها***، تهران: رسانش.

دالمان، هانری رنه (۱۳۳۵). ***سفرنامه از خراسان تا بختیاری***، ترجمه علی محمد فره وشی، تهران: امیرکبیر.

دوگوبینو، کنت. (۱۳۸۳). ***سفرنامه سه سال در آسیا***، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

رفاعی، انور (۱۳۹۵). ***تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی***، ترجمه عبدالرحیم قنوات، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ویرایش دوم.

زارعی، محمد ابراهیم، یدالله حیدری باباکمال (۱۳۹۵). «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی های قاجاری تکیه معاون الملک کرمانشاه»، ***فصل‌نامه هنرهای زیبا***، ۲۱(۴)، صص: ۶۴-۵۳.

عباسیان، میر محمد (۱۳۹۷). ***تاریخ سفال و کاشی در ایران***، تهران: گوتنبرگ.

فوروکاوا، نوبو یوشی (۱۳۸۴). ***سفرنامه فورو کاوا***، ترجمه هاشم رجب زاده-کینجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فووریه، ژوآنس (۱۳۹۰). ***سفرنامه سه سال در دربار ایران*** (خاطرات دکتر فووریه پزشک مخصوص ناصرالدین شاه)، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر نوین.

لایارد، سراوستن هنری (۱۳۶۷). ***سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران***، ترجمه مهراب امیری،

تهران: وحید.
معتقدی، کیانوش (۱۴۰۱). ***کاشی و کاشی‌کاران طهران در عصر قاجار***، تهران: دانیار.
مک گِرگُر، کلنل سی.ام (۱۳۶۶). ***سفرنامه شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان***، ترجمه مجید مهدی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
موریه، جیمز (۱۳۸۶). ***سفرنامه جیمز موریه از راه ایران***، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه در سال های ۱۸۰۹-۱۸۰۸م (سفراول و دوم)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
نیکیتین، بازیل (۱۳۵۶). ***خاطرات و سفرنامه موسیونیکیتین*** (کنسول سابق روس در ایران)، ترجمه علی محمد فره وشی، تهران: نشر معرفت.
هاگدرون، آنت، ولف، نوربرت، ولف (۱۳۹۴). ***هنر اسلامی***، ترجمه صادق رشیدی و فاطمه رمضانی، تهران و مشهد: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
وامبری، آرمینوس (۱۳۷۲). ***سفرنامه زندگی و سفرهای وامبری*** (دنباله سیاحت درویشی دروغین)، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۶۸). ***سفرنامه ایران در یک قرن پیش***، تهران: انتشارات اقبال.
ییت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). ***سفرنامه خراسان و سیستان*** (سفرنامه کلنل بیت در روزگار ناصرالدین شاه)، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان.

تصویر ۱- نمای فضای باز مسجد جامع و مسجد چهار باغ اصفهان از فلاندن

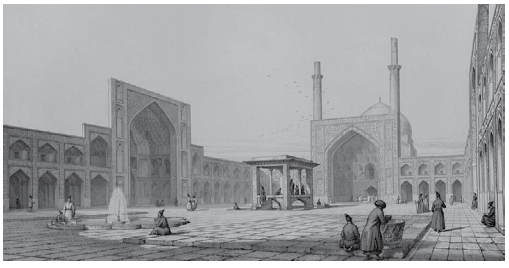

تصویر ۲- نمای فضای داخلی مسجد جامع اصفهان از کوست

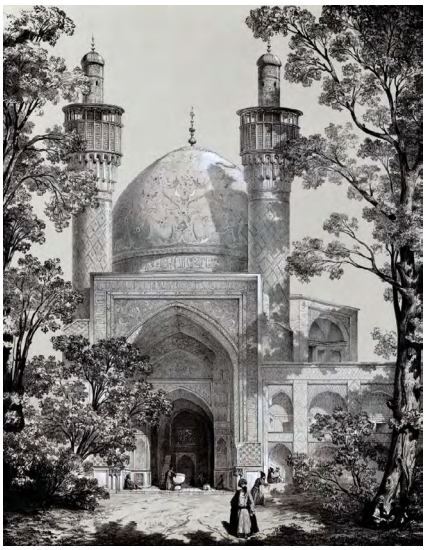

تصویر ۳- مسجد چهارباغ (مدرسه مادر شاه سلطان حسین) اصفهان از فلاندن

تصویر ۴- مسجد بابا سوخته اصفهان از فلاندن